

ابلاغ و ممنوعیت دستگاه‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و ممنوعیت دستگاه‌های دولتی از هزینه کردن در ورزش حرفه‌ای و قهرمانی در سال ۸۴ فرصت خوبی بود برای ورزش و به ویژه فوتبال ایران تا به شکل قانونمند مسیر حرفه‌ای گری را پیش ببرد. از اوایل دهه ۸۰ سازمان تربیت بدنی و پس از آن وزارت ورزش به همراه اتحادیه باشگاه‌های فوتبال در تلاشند که «طرح نظام جامع باشگاه‌داری» در مجلس شورای اسلامی تصویب و به شکلی قانونی لازم‌الاجرا شود. اگر چه نمایندگان مجلس در ادوار مختلف نیز قدم‌هایی در این خصوص برداشته‌اند اما تاکنون نه تلاش‌های ورزشی‌ها نتیجه داده و نه مجلسی‌ها. به همین بهانه به سراغ عز یز محمدی رئیس اتحادیه باشگاه‌های فوتبال رفتیم تا از وضعیت فعلی این طرح مطلع شویم.

■ ■ ■

تلاش‌ها برای تصویب طرح نظام جامع باشگاه‌داری از چه زمانی آغاز شده است؟

این بحث از سال ۸۲ شروع شد، سازمان تربیت بدنی برنامه جامع ورزش را به مجلس ارائه داد و در آن موضوع اتحادیه باشگاه‌ها مطرح شد. پس از آن تا سال ۸۹ این بحث مسکوت ماند. در برنامه توسعه پنجم کشور و در تبصره ماده ۱۳ بندی وجود دارد مبنی بر اینکه بخش‌های دولتی اجازه خرج کردن برای ورزش حرفه‌ای را ندارند. وزارت ورزش هم قبلاً طرحی را به مجلس پیشنهاد داده بود. همان طرح را به صحن آوردند و یک فوریت آن در سال ۸۹ تصویب شد و قرار شد مرکز پژوهش‌های مجلس روی آن کار کند. طبق اصل ۴۴ قانون اساسی باشگاه‌های ورزشی باید خصوصی باشند. از آنجا که برخی نمایندگان مجلس از ورزش برای گرفتن رأی استفاده می‌کنند در سال آخر آن دوره مجلس جلساتی را برای خصوصی‌سازی باشگاه‌ها برگزار کرد. همان موقع در اتحادیه فوتبال روی این مسئله کار کردیم و طرح پیشنهادی را به مرکز پژوهش‌ها ارائه دادیم.

اجرای طرح فوق به خصوصی‌سازی باشگاه‌ها سرعت می‌بخشد؟

تا زمانی که طرح نظام جامع باشگاه‌داری تصویب نشود بحث خصوصی‌سازی باشگاه‌ها به بن‌بست می‌خورد. در نظام جامع مسائلی از جمله حق پیش‌تولیز یونی، تبلیغات محیطی، کپی‌رایت، معافیت‌های مالیاتی (برای درآمد باشگاه‌ها نه قرارداد بازیکنان و مربیان) و… مدنظر قرار گرفته است. منتها باز هم این طرح ابتر ماند. پس از آن بحث واگذاری استقلال و پرسپولیس مطرح شد و به تصویب رسید. هر یک از این دو باشگاه را ۳۰۰ میلیارد تومان قیمت‌گذاری کردند. همان زمان هم گفتیم هیچ‌کس با این قیمت سرخابی‌ها را نمی‌خرد. اگر کسی هم پیدا شود وقتی باشگاه در آمدی ندارد یک سال بعد ورشکست می‌شود و می‌گوید مال بد بیخ ریش صاحبش. هیچ آدم عاقلی این کار را

پرونده

بررسی طرح نظام جامع باشگاه‌داری در ایران



درددل‌های عز یزالله محمدی، رئیس اتحادیه فوتبال در مورد بلاتکلیفی طرح نظام جامع باشگاه‌داری

هم دولت کوتاهی کرده، هم مجلس!

هیچ آدم عاقلی سرخابی‌ها را نمی‌خرد

نمی‌کند. احمدی‌نژاد گفت حتماً تا پایان دوره من این دو تیم واگذار می‌شوند و الان هم روحانی این ادعا را مطرح کرده. من هم همیشه گفته‌ام این دو باشگاه با شرایط فعلی هرگز واگذار نخواهند شد. در بورس هم هیچ‌کس دو باشگاه ورشکسته و بدهکار را نمی‌خرد. در چند سال گذشته امیرضا خادم به عنوان معاون پارلمانی وزارت ورزش جلساتی را برای ارائه نظام جامع باشگاه‌داری از سوی دولت به شکل لایحه ارائه کرد. بیش از ۶۰ یا ۷۰ جلسه داشتیم و خودم هم در این جلسات حضور داشتم. حتی نظرات فدراسیون‌ها را نیز جویا شدند ولی این لایحه دو سال است در وزارت ورزش خاک می‌خورد. در این قضیه هم دولت کوتاهی کرده و هم مجلس!

چرا پرسوه به تصویب رسیدن این طرح تا این اندازه طولانی شده‌است؟

برای اینکه ورزش دغدغه‌اش نیست و از ورزش استفاده ایزاری می‌شود. در صورتی که ورزش ثمرات اجتماعی

زیادی دارد. وقتی دربی تهران پخش می‌شود از چند روز قبل جوانان برای هم کری می‌خوانند، از شب قبل از بازی هواداران پشت در استادوم می‌خوانند، روز بازی آن قدر شعار می‌دهند و دو ساعت همه نگاه‌ها به فوتبال است. ناخودآگاه بزدهای اجتماعی کاهش چشمگیری پیدای می‌کند. چنین پتانسیلی را به خاطر استفاده ایزاری از ورزش از دست می‌دهد. در این سال‌ها طرح‌های زیادی در خصوص مسائل مختلف تصویب شده فوتبال بازخورد زیادی دارد و در تلویزیون پخش مستقیم می‌شود. به همین خاطر برخی برای آنکه مطرح شوند به بحث‌های فوتبالی می‌پردازند. در واقع کسی دلسوز فوتبال و ورزش نیست.

تصویب نظام جامع باشگاه‌داری چه تأثیری در آینده فوتبال ایران خواهد داشت؟

بیشترین تماشاگر را پرسپولیس و استقلال دارند. دولت که حق خرج کردن یک ریال را برای آنها ندارد، حق پخش هم که پرداخت نمی‌شود، کپی‌رایت هم لایحه نظر خواهی نشده و مشورتی از مدیرانی که صاحب تجربه در ورزش هستند، نگرفته‌اند. خروجی چنین تصمیم‌هایی که بدون مشورت و خردجمعی در ورزش اجرامی‌شود را می‌توان در ماجرای اسانسه فدراسیون فوتبال که بین فیفا و فدراسیون در رفت و برگشت است و همچنین تبعاتی که قرارداد مربیان تیم ملی از نظر مالی و فنی برای کشورمان داشته است، مشاهده کرد. درباره نظام جامع باشگاه‌داری هم همین اتفاق در جریان است و وزارت ورزش‌ها خودشان را دانای کل و بدون نیاز از نظر خواهی از متخصصان می‌دانند و این مسئله سبب می‌شود طرح لایحه‌ای که قانون می‌شود در اجرا به مشکل بخورد.

«مدیر عامل اسبق باشگاه استقلال

ورزش‌شیر

سرویس ورزشی ۸۸۴۹۴۳۴

که وجود ندارد و درآمد تبلیغات محیطی نیز کامل به دست‌شان نمی‌رسد. پس این باشگاه چطور باید امورشان را بگذرانند؟ در صورتی که بخش مهمی از درآمد باشگاه‌های بزرگ دنیا از بخش فروش لباس و حق پخش به دست می‌آید. با اینکه راه‌های زیادی برای درآمدزایی از جمله تأسیس هتل، آژانس هواپیمایی، دفتر بیمه و… وجود دارد اما چون ما قانونی برای این کارها نداریم نمی‌توانند کاری کنند. سلطانی‌فر وزیر ورزش مدعی است سهام سرخابی‌ها هزار میلیارد ارزش دارد. بر فرص که سهام آنها را مردم خریدند ولی چطور قرار است این دو باشگاه اداره شوند، مدیر عامل را چه کسی انتخاب می‌کند و چه درآمدی خواهد داشت؟ اول باید این مسائل جا بیفتد و حل شود. چرا ما چندین سال است که قهرمان باشگاه‌های آسیا نشده‌ایم؟ چون رقبای باشگاهی ما بازیکنان درجه یکی مثل ژاوی را به خدمت می‌گیرند. البته تیم ملی در رسیدن به این جام جهانی بوده

فعل هستند.
می‌توان انتظار تصویب آن در مجلس بازدهم را داشت؟
همه آنها که به مجلس می‌آیند به جای کارهای زیربنایی به فکر کارهای دیگر هستند. مصاحبه‌های مدیران فدراسیون فوتبال، سازمان لیگ و مدیران سرخابی‌ها هر روز از صدا و سیما پخش می‌شود. تا زمانی که همه به فکر مطرح شدن باشند کسی زیربنایی کار نمی‌کند. اتحادیه فوتبال البته همچنان به تلاش برای این زمینه ادامه می‌دهد و ما منتظریم تا نمایندگان جدید رایزنی‌های لازم را انجام دهند.

طرح غیر ورزشی‌ها برای ورزشی‌ها



ورود مجلس به تدوین نظام جامع باشگاه‌داری را به صلاح نمی‌بینم و معتقدم هر جا نمایندگان برای ورزش کشور تصمیم گرفته‌اند، جز ضرر و زیان چیزی عاید ورزش نشده است. طرح‌های زیادی را می‌توان مثال زد که مجلس به آن ورود کرده اما خروجی مناسبی برای ورزش نداشته‌است، از جمله طرح تبدیل سازمان تربیت بدنی به وزارت ورزش بود که تنها برای این تصویب شد که بتوانند وزیر را به مجلس بکشاند و سود دیگری نداشت. الان هم معتقدم طرح‌های غیر کارشناسی و

هیجانی که برای ورزش تصویب شده، راهگشا نبوده و تنها چوب لای چرخ ورزش گذاشته و باعث ضرر و زیان شده است. با توجه با این سابقه باز هم عقیده دارم که ورود دوباره مجلس برای تهیه طرح برای ورزش که این روزها برای طرح جامع نظام باشگاه‌داری صورت

<div><div> </div></div>	نگاه
	مهدی دادرس*
طرح غیر ورزشی‌ها برای ورزشی‌ها	
گرفته است، نمی‌تواند منشأ خبری برای ورزش کشور باشد. به هر حال کسانی که طرح را آماده و تصویب می‌کنند همه در ورزش تخصص ندارند و با قیام و قعود یک طرح تصویب می‌شود. به کمیسون‌های تخصصی هم نمایندگان معدودی با ورزش آشنایی دارند که آنها نیز خط و خطوط خاصی دارند، با توجه به این روند در صورت تصویب نظام جامع باشگاه‌داری نباید منتظر رخ دادن اتفاقی ویژه‌ای در کشور باشیم و این طرح بیشتر یک سری مقررات دست و پا گیر خواهد بود و صحبت‌هایی که در این باره مطرح می‌شود بیشتر شعاری است و چشم‌انداز روشنی را برای باشگاه‌داری نمی‌توان تصور کرد.	
«مدیر عامل اسبق باشگاه پیکان	

در این طرح، اتحادیه‌های باشگاه‌ها، نقش اصلی را در صدور مجوز بر عهده دارند و ششورای عالی باشگاه‌های ورزشی که از وزیر ورزش نمایندگان فدراسیون‌ها، رئیس اتحادیه باشگاه‌ها، متخصل متخصصان ورزش از بخش غیردولتی، نماینده کمیته ملی المپیک، معاون وزیر اقتصاد، نماینده آموزش و پرورش و نیروهای مسلح تشکیل شده است. به منظور ایجاد هماهنگی و نظارت بر اتحادیه‌ها به عنوان بالاترین مرجع هماهنگی و نظارت در کشور فعالیت خواهد کرد.

■ ■ ■

در صورت تصویب و اجرایی شدن طرح نظام جامع باشگاه‌داری، دولت موظف است حمایت‌های لازم را از بخش خصوصی به بسته‌ها حمایتی انجام دهد، مسئله‌ای که می‌تواند سرمایه‌گذاران غیردولتی را به حضور در ورزش راغب کند، به خصوص که در حال حاضر با توجه به بسته بودن راه‌های درآمدزایی بخش خصوصی در ورزش و هزینه‌های سرسام‌آور باشگاه‌های دولتی، عملاً بخش غیردولتی انگیزه‌ای برای ورود به عرصه باشگاه‌داری ندارد و بر اساس هزینه‌ای که می‌کند نمی‌تواند انتظار درآمد و سوددهی داشته باشد. با این حال در صورت تصویب طرح نظام جامع باشگاه‌دار، چنین موانعی رفع خواهد شد. در پیش‌نویسی که در سال ۹۱ برای این طرح آماده شده، به باور ما، باشگاه‌ها، واگذاری ورزشگاه‌ها و تأسیسات ورزشی از سوی وزارت ورزش به باشگاه‌ها، در نظر گرفتن تعرفه مقرر برای مدارس و فضاهای آموزشی، در رابطه با آب و برق و گاز برای باشگاه‌ها، ارائه تسهیلات به باشگاه‌ها به منظور تقویت بنیه مالی و امکان سرمایه‌گذاری بابت احداث اماکن ورزشی و همچنین تولید، خرید یا عرضه لوازم و تجهیزات ورزشی، معافیت‌های مالیاتی و همچنین به رسمیت شناخته شدن درآمذزایی از طریق حق پخش تلویزیونی و… از جمله این حمایت‌ها خواهد بود.

جوان

یادداشت

مسیری سخت با پایانی رویایی

■ **دنیا جدیدی**

سال‌ها قبل باید این اتفاق رخ می‌داد. خیلی قبل‌تر از آنکه بیت‌المالی به واسطه مشستی دلال شیک‌پوش با پشت و مقام‌هایی قابل توجه چپاول شود؛ حداقل ۱۹ سال پیش. همان زمان که با اجبار قوانین بین‌المللی فوتبال واژه حرفه‌ای به فوتبال ایران گره خورد. واژه‌ای که شاید افتخارهای AFC نبود هرگز پیش‌به‌فوتبال ایران باز نمی‌شد تا امروز شاهد فوتبالی آماتور در قالب حرفه‌ای باشیم. همان سال‌ها اگر صدای پیشکوتان فوتبال که بارها و بارها تأکید کرده بودند فوتبال ایران تیم‌داری می‌کند نه باشگاه‌داری، مطرح نظام جامع باشگاه‌داری با سال‌ها تأخیر به مجلس ارائه نمی‌شدا

ارائه این پیشنهاد در قالب طرحی یک فوریتی به مجلس اگر چه با سال‌ها تأخیر انجام شد اما می‌تواند مصداق این ضرب‌المثل باشد که ماهی را هر زمان از آب بگیردی تازه است. با این وجود اما ارائه طرح نظام جامع باشگاه‌داری به مجلس تازه شروع راه است و مسئله مهم بعد از تصویب آن توسط نماینده‌های مردم در خانه ملت، نحوه اجرایی شدن آن است که می‌تواند بعد از سال‌ها بلاتکلیفی و در جازدن، فوتبال ایران را سر و سامان دهد.

اگرچه گام نخست اهمیت بسیاری دارد و آقایان با ارائه این طرح به مجلس گام نخست را به درستی برداشته‌اند اما به نتیجه رسیدن این برنامه و عملی شدن هدف مهمی که طرح نظام جامع باشگاه‌داری را مطرح کرده نیازمند یک برنامه کامل و جامع است که می‌توان آن را با نگاهی به نحوه باشگاه‌داری حرفه‌ای در دنیا الگوبرداری کرد؛ البته با اندکی تغییرات برای سازگار بودن با فوتبال ایران.

اهمیت داشتن یک برنامه کامل و جامع در این راستا زمانی مشخص می‌شود که با نگاهی گذرا به نحوه قانون‌گذاری‌ها در فوتبال ایران به طور واضح می‌توان دید که اتخاذ یک تصمیم بدون فراهم کردن بستر آن چه عواقبی در پی خواهد داشت که واگذاری تیم‌ها به بخش خصوصی و همچنین قانون سفتف قرارداد مصداق‌های بساز قانونگذاری‌ای بدون کارشناسی و برنامه است که در پی بی‌توجهی به بسترسازی لازم نه فقط راه به جایی نبرند که نتایج تلخی را نیز به دنبال داشته‌ند.

در این مورد خاص اما می‌توان با نگاهی به نحوه باشگاه‌داری در فوتبال دنیا و بررسی همه‌جانبه موارد مختلف برنامه جامع و کاملی را دتارک دید تا تیم‌های فوتبال ایران بعد از سال‌ها بی‌رو و بی‌کف‌ری با قدم برداشتن در مسیر درست شکل و شمبایی حرفه‌ای به خود گرفته و در مسیر موفقیت گام بردارند. مسیری که از یک سو می‌تواند نظام باشگاه‌داری در فوتبال ایران را که تا پیش از این چیزی جز داستان‌های ترسناک و تخیلی نبوده تغییر دهد و از سوی دیگر با کوتاه کردن دست دلال‌ها می‌تواند به چپاول بیت‌المال نیز پایان دهد. پایانی که می‌تواند شروعی نو و تازه برای فوتبال ایران باشد اما آیا آنها که این طرح را مطرح کردند به

چگونگی و نحوه اجرایی شدن آن نیز اندیشیده‌اند یا تنها به دنبال داشتن سنگی بزرگ بودند برای عرض اندام و خودنمایی؟ بدون تردید اما به‌رغم سخت بودن مسیری که گام نخست آن برداشته شده، یک برنامه هدفمند می‌تواند پایانی رویایی را در پی داشته باشد.

حاشیه

باشگاه‌داری در دنیا چگونه است؟

■ **شمیم رضوان**

باشگاه‌های فوتبال در دنیا به اشکال مختلفی اداره می‌شوند اما نقطه مشترک تمام آنها دولتی نبودنشان است. برای نمونه در آلمان باشگاه‌ها به صورت سهامی اداره می‌شوند و سرمایه‌گذاران می‌توانند با خرید سهام باشگاه‌ها در اداره امور آنها نقش داشته باشند اما ۵۱ درصد سهام هر باشگاه در اختیار اعضای آن است و هیچ سرمایه‌گذاری نمی‌تواند بیش از ۴۹ درصد از سهام یک تیم را در اختیار داشته باشد اما می‌تواند هم‌زمان در چند تیم سرمایه‌گذاری کند. در فوتبال ایتالیا مدیران باشگاه‌های قوی معمولاً از محل درآمد یا سود باشگاه امور خود را نمی‌گذرانند، بلکه این باشگاه‌ها در زنجیره دارایی‌های مالکان باشگاه یا صاحبان چندین شرکت بزرگ باشگاه‌اند و مالکیت‌شان به شکل تعاونی است. تصمیم‌گیرنده نهایی است؛ مالکانی که البته دستشان در جیب مردم نیست و مسئولیت کارهای خود را بر عهده دارند.

در سایر لیگ‌های برتر اروپا بر خلاف لیگ آلمان یک نفر می‌تواند سهامدار عمده و مالک اصلی باشگاه باشد. در اسپانیا اما قضیه کمی فرق می‌کند. در این کشور بارسلونا، رئال مادرید، اوساسونا و آلتینک بلبلیتو به صورت انجمن ثبت شده‌اند و مالکیت‌شان به شکل تعاونی است. این بدان معناست که مثال مادرید به هوادارانش تعلق دارد که رئیس باشگاه را هم انتخاب می‌کنند. در این سرمایه‌گذاری کند بلکه فقط می‌تواند آنچه را به باشگاه درمی‌آورد خرج کند. همه این نمونه‌ها مدل‌های مختلف مالکیت باشگاه‌های فوتبال در اروپا، چه مالکیت خصوصی در انگلستان و چه مدل تعاونی در چند باشگاه اسپانیایی به حساب می‌آید. در فوتبال آلمان که سعی کرده یک راه حل بینبنیان را پیدا کند، نشان می‌دهد که ساختار مالکیت به‌هر شکل و در هر بستری که باشد، باید در خدمت توسعه باشگاه باشد و تاجی ممکن آن را در برابر بی‌ثباتی‌ها مین کند و مهم‌تر از همه، اینکه خود در آمدزایی داشته‌اند؛ اینکه برای امرار معاش چشم به جیب ملت داشته باشد.